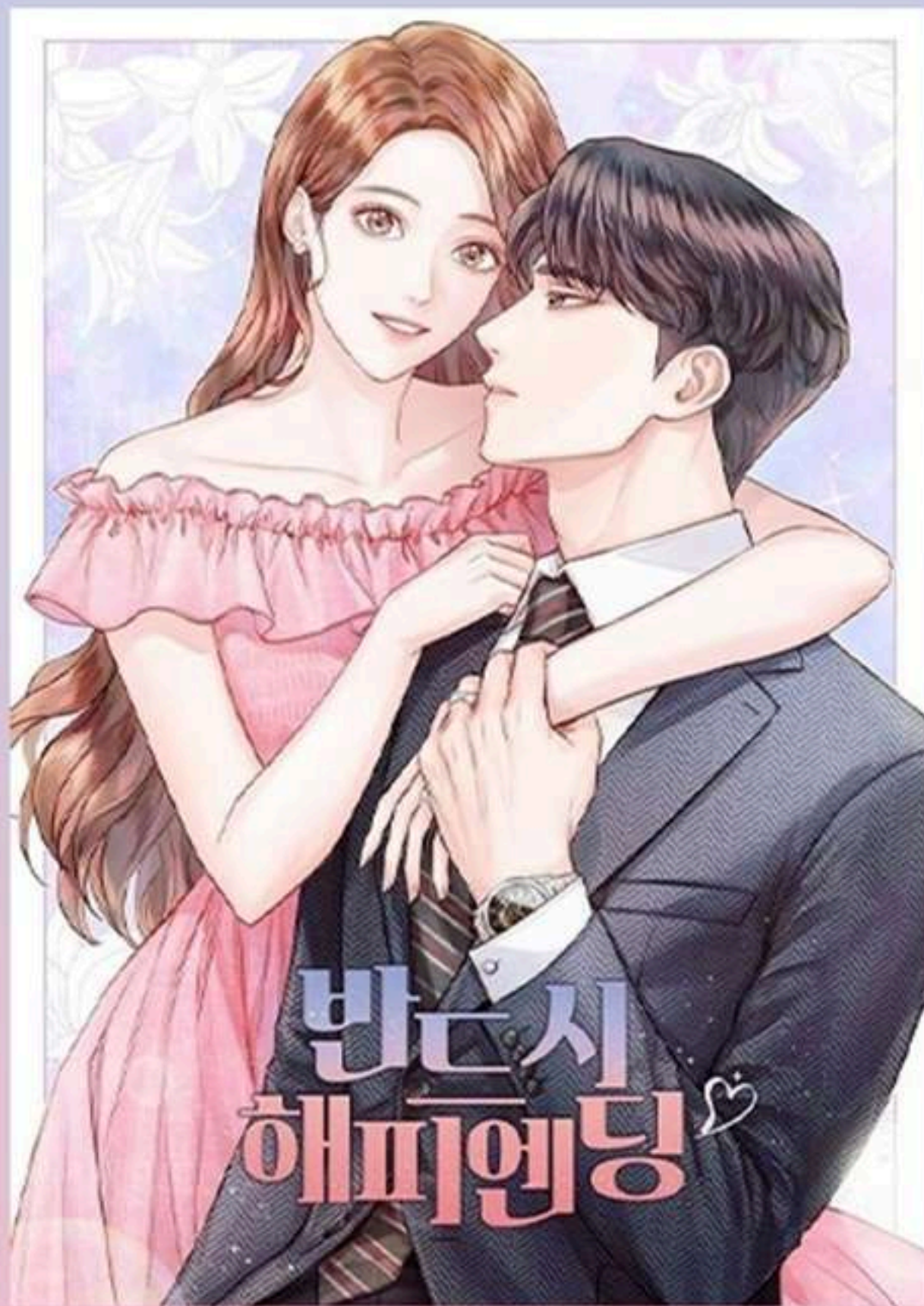




IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

Evermore

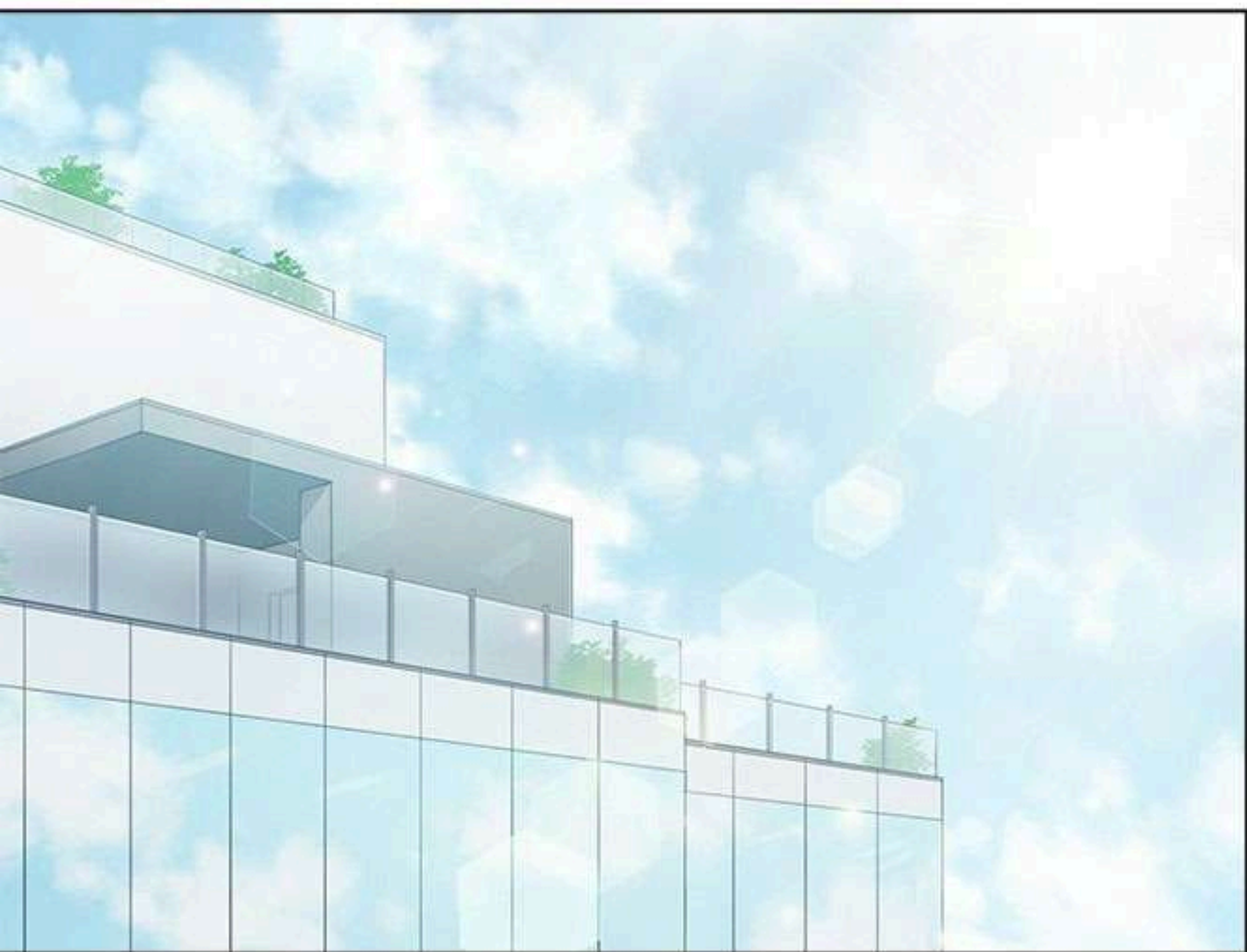
مترجم:

Mozhan

کلینر:

Feri

تایپیسٹ:



قبل از اینکه پدرم
دیدن وکیل باید
مدرک آماده کنم.



فلشی که فیلم دوربین
مدار بسته ی آسانسور می‌کند
تجاری رو از سه سال پیش
داشت، باید به جایی همین
جاها باشه..

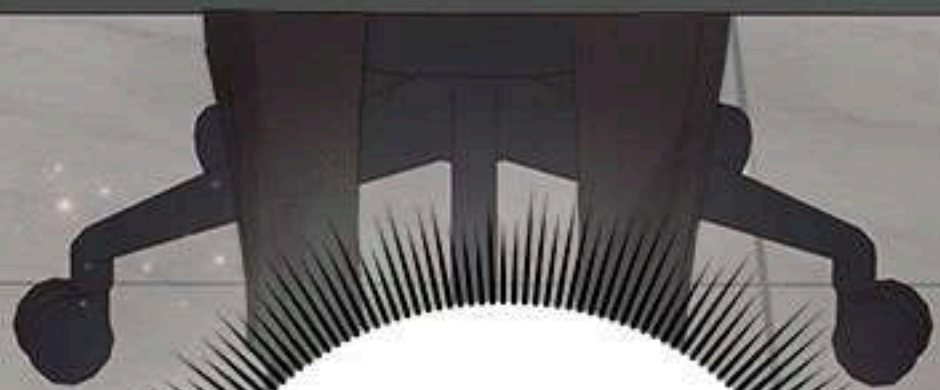




اینجا نیست. نکه
اشتباه کردم؟

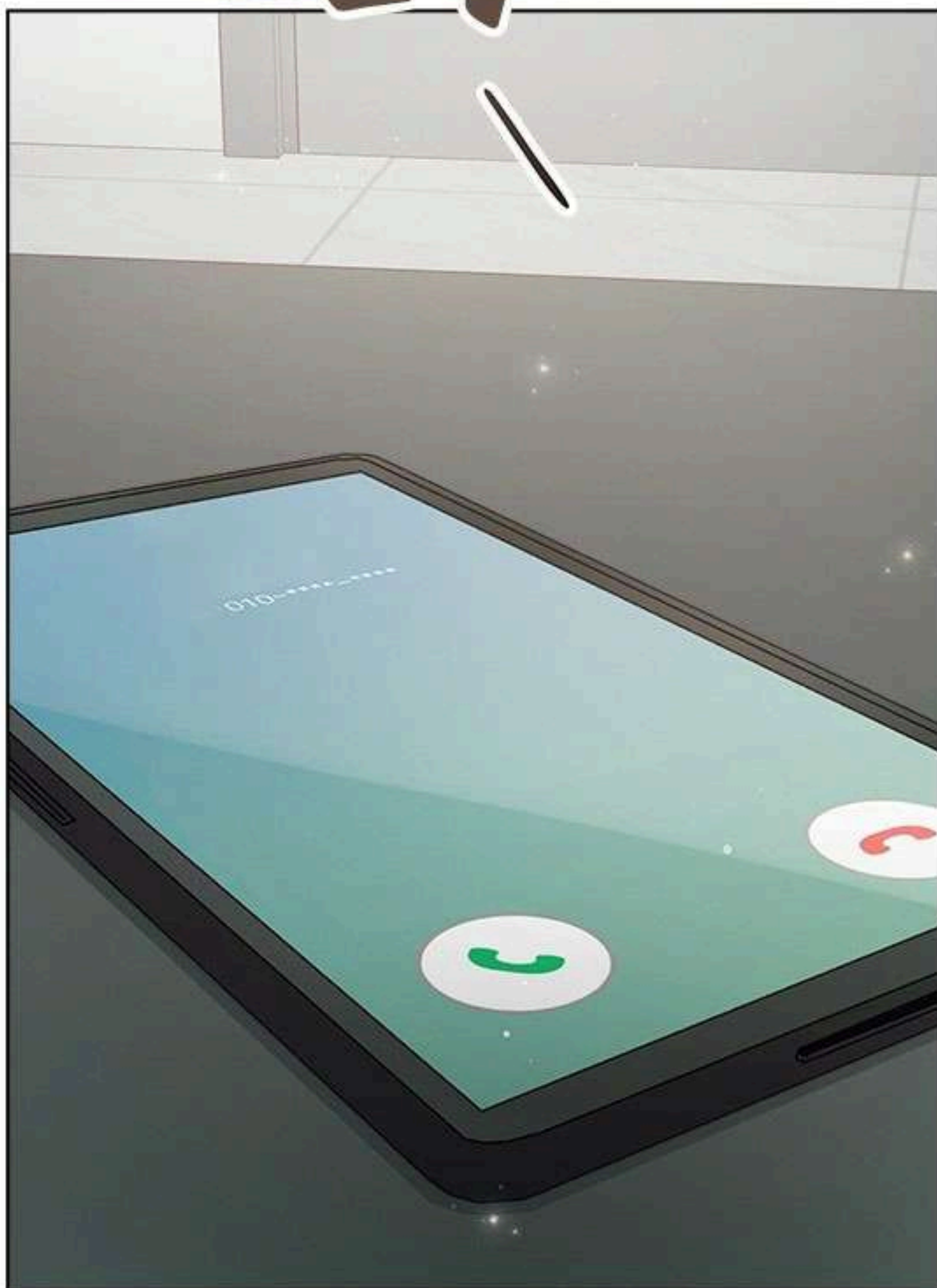
مگه فلش رو همین
جا نداشتتم؟!





...کے مکے

B77T



الو



سون چه خبرایی
که برات فرستاده
رو دیدی؟

همین الان
بفونش.



WHOOOSH



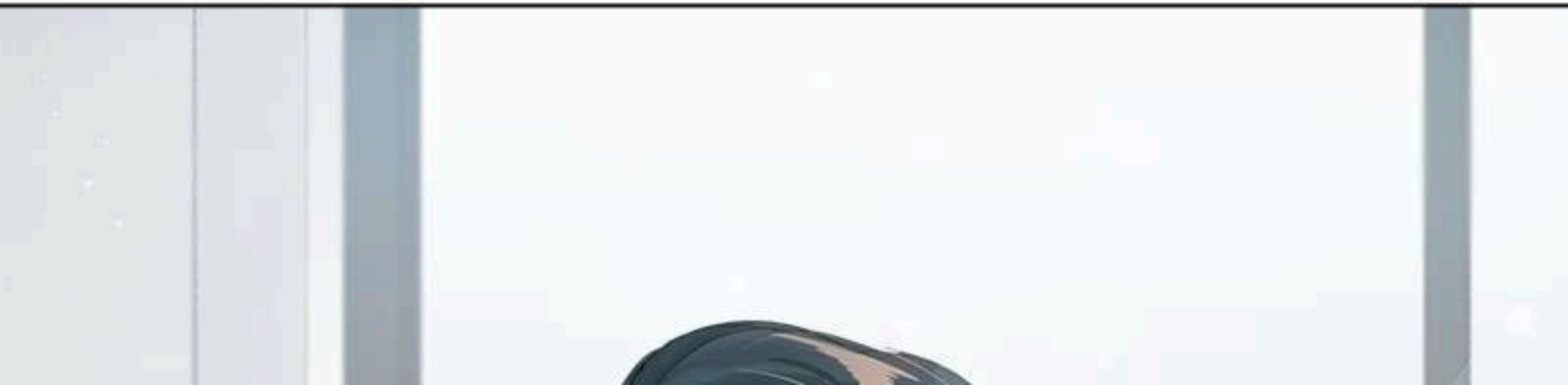


سونبه!

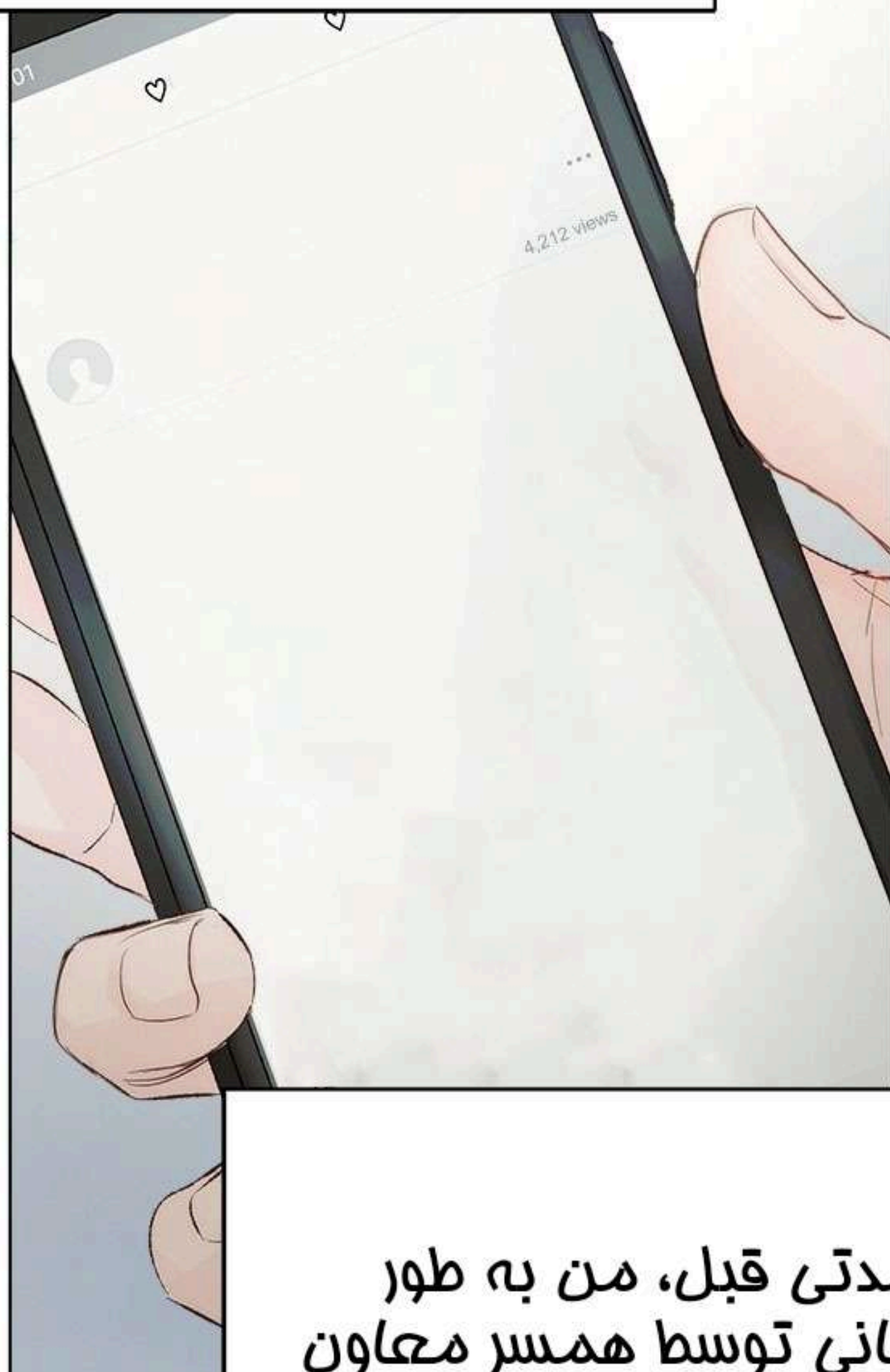
تو درد سر بزرگی
افتادیم

PANT

PANT



من برای سه سال، خدمتکار
خصوصی معاون رئیس مرکز
خرید جی بوده ام.



مدتی قبل، من به طور
ناگهانی توسط همسر معاون
رئیس اخراج شده.

...اونازدواجشون
تقلبيه.





همه فکر میکنند اونا
یه زوج فوق‌العاده‌ان



اما این حقیقت
نداره

اونا تو اتاق های جدا
می خوابن و اغلب
همدیگه رو نمی بینن.



یه جور زندگی میکنن
انگار هنوز مجردن.

من برای دو سال تو
همچین فونه ای زندگی
و تمیزکاری می کرده.



اما یہ روز، اخراجہ کردن.
اونا بهم انگ دزدی زدن.

من بعد از اخراج
شدنم فهمیدم.

این چه زری
می زنه...؟!

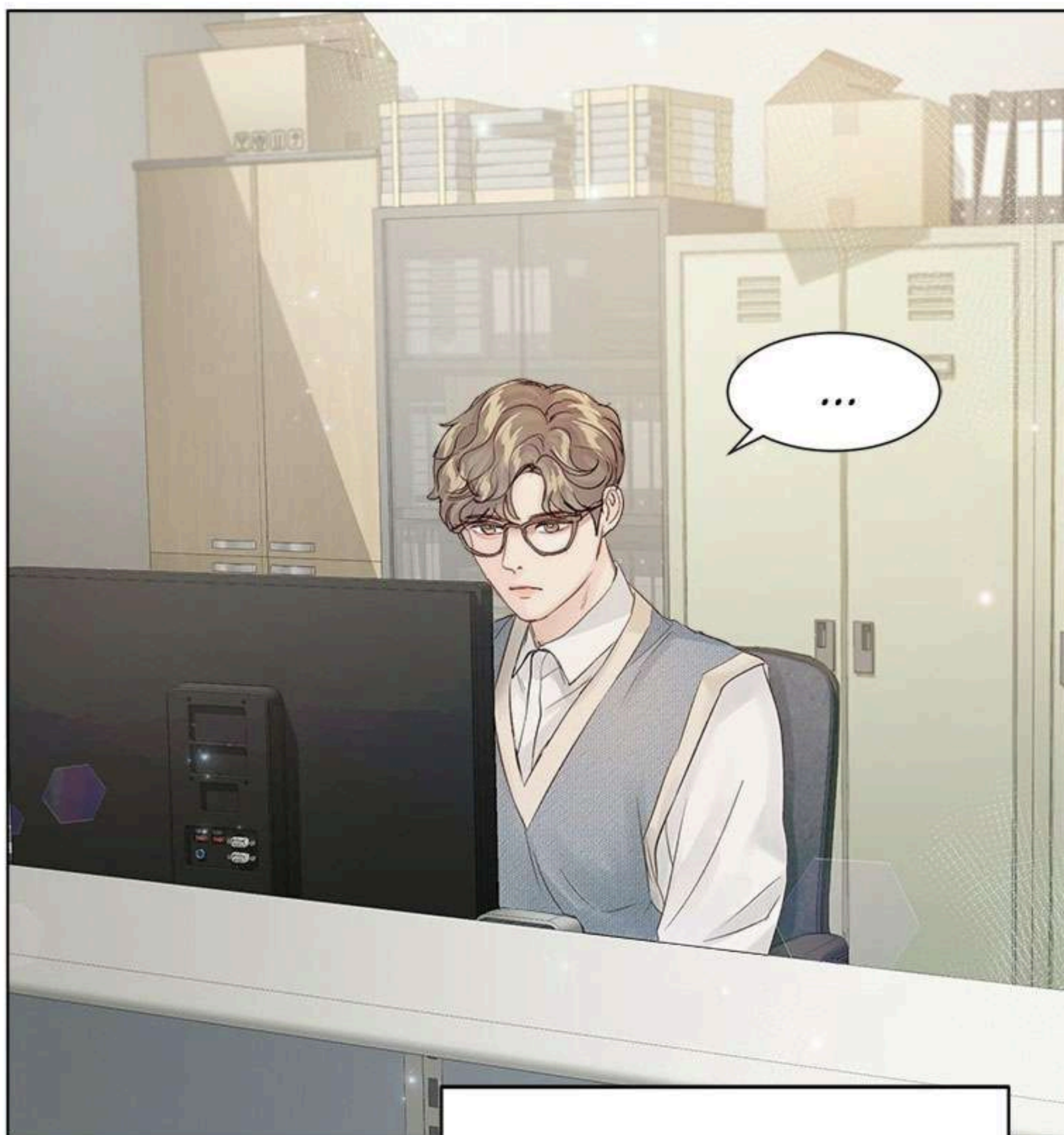




یه شایعه پخش بود که
اونها به تدریج به هم
نزدیک تر شدن.

همسر معاون رئیس فکر
می کرد این من بوده

که اون شایعه رو پخش کرده.



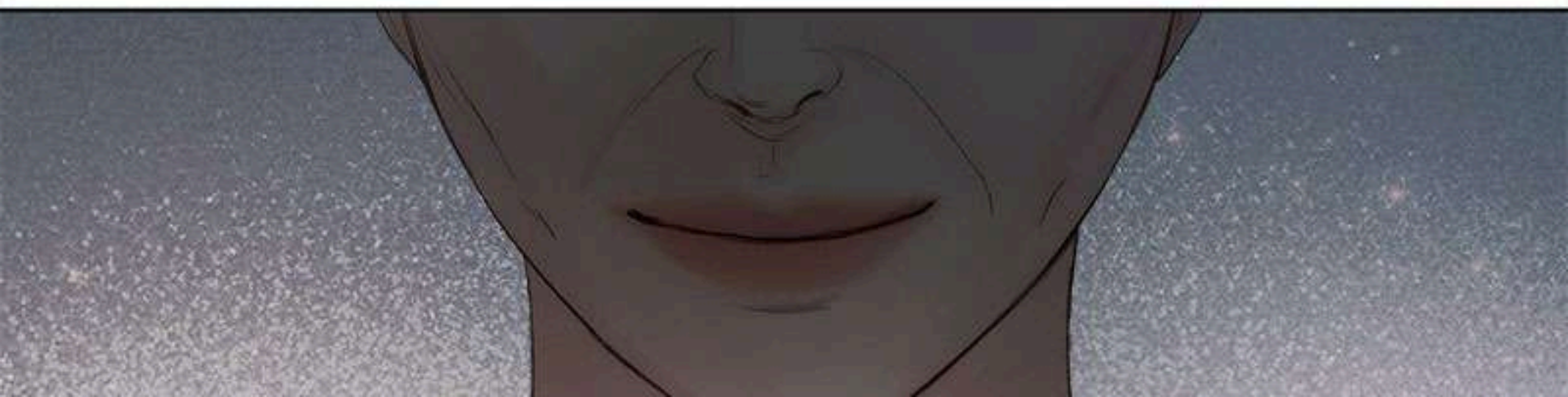
همه کسانی که باید
بدون می دونستن.

و منم بی سر و صدا به
زندگی ادامه میدم.





چرا، چرا تقصیر من
انداختی و اخراجم
کردی؟





یا شاید به خاطر اینه که
من خیلی چیزا رو می
دونه، پس می خواستی
از دستم راحت شی؟

واقعاً می‌خواهم
بدونم.

احساس می‌کنم از وقتی
این متن رو نوشتم توی
خطرهم. می‌دونم که آدم
های پولدار چقدر ترسناکن.



واقعاً هر بار، به اتفاقات
بدی که برام افتاده فکر
می کنم می خواهم بالا
بیارم.

خانم رئیس آگه بعد از خواندن
این مقاله متوجه اشتباهت
شدی، فوراً از من عذرخواهی
کن.

اگر هنوز انسان هستید
کار بدی با من نکنید.



همش یه نمایش بود ؟ این خبر ها کاملاً منو شوکه کرد.



چند سال پیش، معاون مدیر یه انفجار خبری بزرگ درست کرد چون با یه زن معمولی
ازدواج کرد. رئیس کانگ وون هو می خواست وارد دنیای سیاست بشه، برای همین
اون کانگ سون جه رو مجبور کرد اینکار رو بکنه تا اسمش رو سر زبونا بندازه.



درسته، راه نداره یه خر پول با یه زن معمولی ازدواج کنه.



هنوز هم فوبه سیندرلا باشی، حداقل اگه طلاق گرفتن یکم پول گیرش میاد.



پطوری تونستن پسرشون رو این شکلی بفروشون؟ عوضی ها.



کانگ سون چه هم کلی رسوایی داره. اون نقش اصلیه رسوایی با یو سارا است. هرچند فکر می کنم فوب تونستن مفیش کنن اما....

من... من باید
چکار کنم....





کارت شناسایی و
قراردادش، همه برای
اون پست شدن



اون از کارش
هدفی داشته.

...نمی تونم باهاش
تماس بگیرم.





امكان نداره تلفن
رو جواب بده.

... اون به من قول
داد هرگز چیزی رو
فاش نکنه.



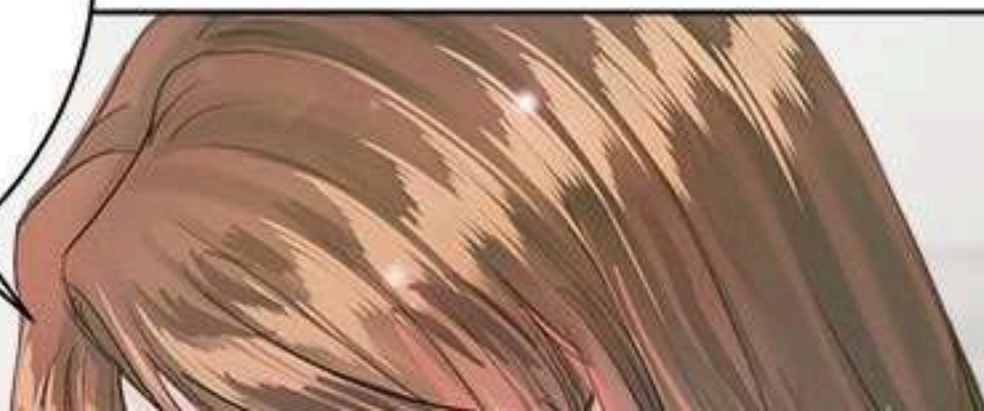


اون گفت دوباره اوک
سونگ هی رو ملاقات نمی
کنه. همینطور گفت اگه لازم
باشه با تحقیقات همکاری
میکنه.

اما در نهایت
زیر قولش زد.



انگار اینم برنامه
اوک سونگ هیه
است.





برای اینکه اوک سونگ
هیه از اون مدل آدم هاست
که می تونه هر کسی رو که
خواست کنترل کنه.

خیلی خب



تو خوبی؟



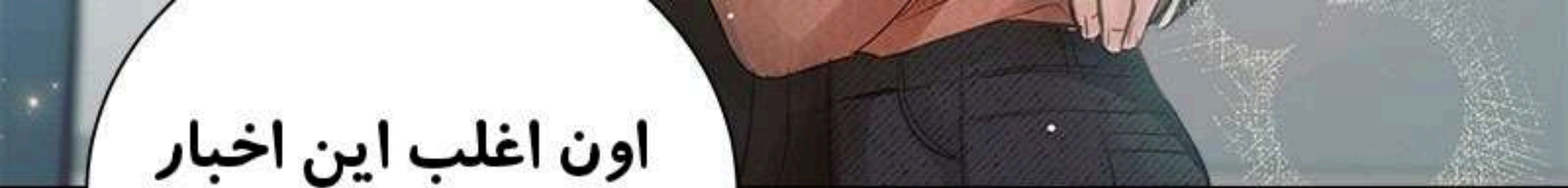
...ممکنه پدرم خیلی
شگفت زده بشه.

HUG



اون می تونه
اوضاع رو کنترل
کنه.





اون اغلب این اخبار
رو نمی خونه.



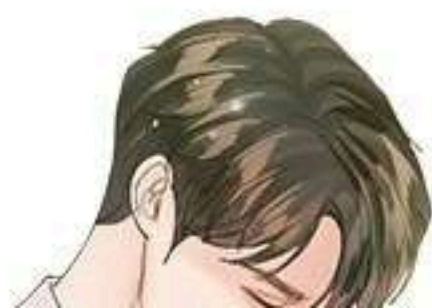
من درباره ی تو
خیلی نگرانم.

اگه مردم اطلاعات
یوون وو رو پیدا کنن



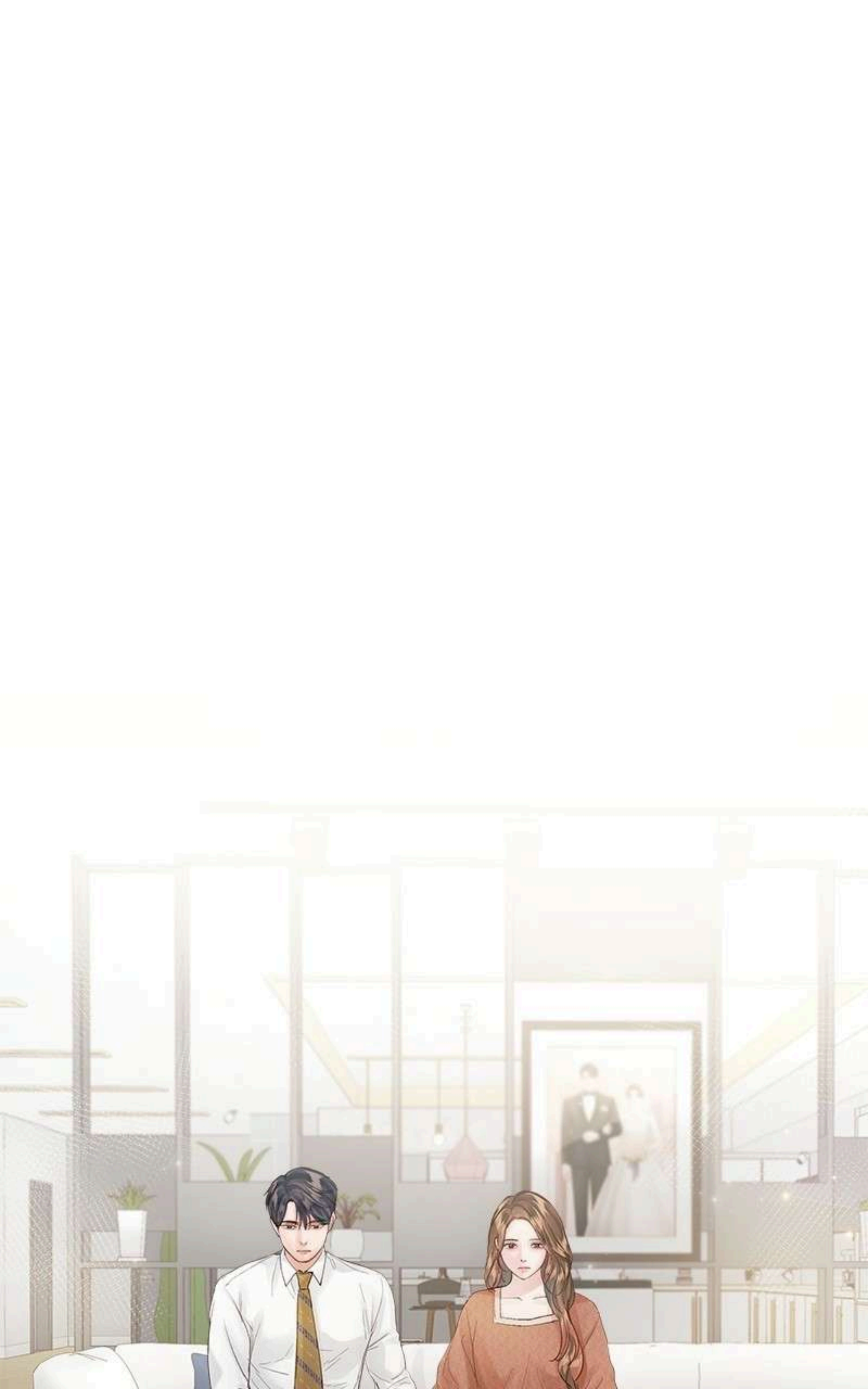


ممکنه اتفاقی که زمان
دیرستان برای یوون وو افتاد
هم برملا بشه.





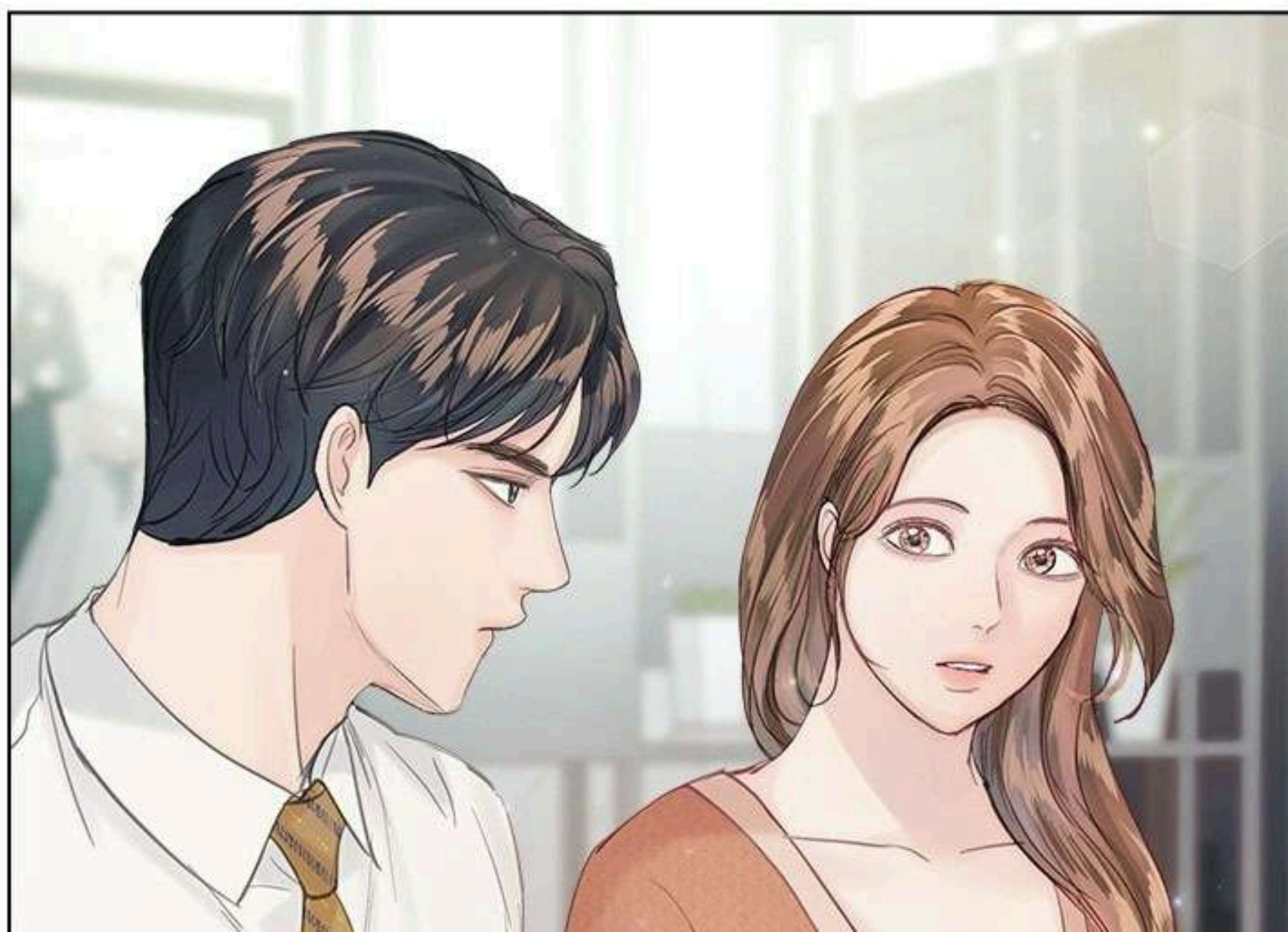
به هر حال تو کار
اشتباهی نکردی.





بیا نگاه کنیم چیزی
رو گم کردم یا نه

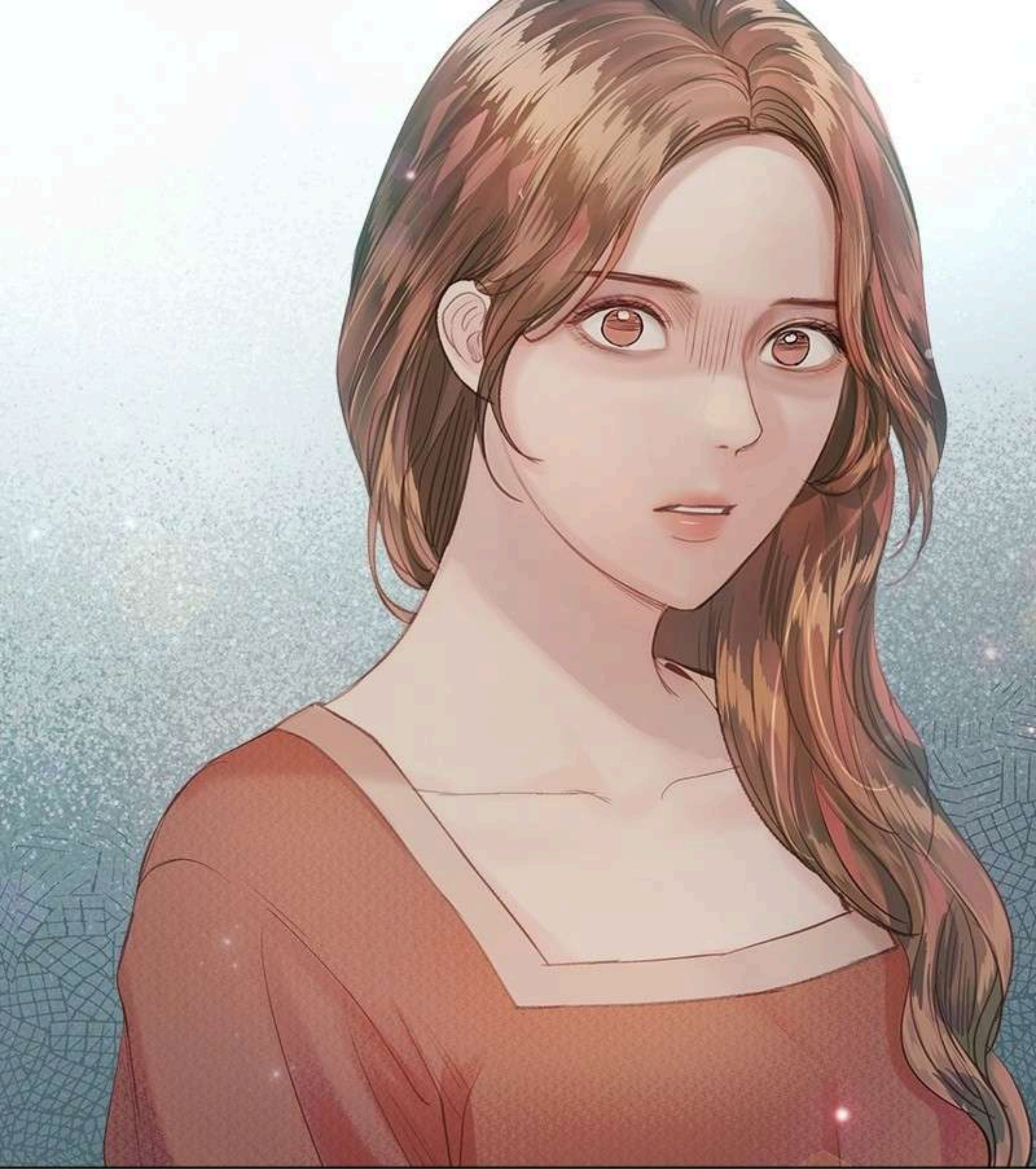






فلش...؟

فلشی که فیلم
دوربین های مدار
بسته ۳ سال پیش
رو داشت.



نگران نباش، تقصیر من
بود. خوب مراقبتش
نبودم.



ما می‌تونیم ویدیو رو از طریق
شرکت کامپیوتری بازیابی کنیم
و هنوز یه کپی ازش توی خونه
داریم.



شانس اور ديم

ما باید قرار
ملاقاتمون با وکیل
رو عقب بندازیم



NOD





اول باید همه ی این
چرت و پرت هارو
پاک کنیم.

**THERE
MUST BE
HAPPY
ENDINGS**





**پست حذف شد، بعد از ۴
ساعت از وقتی که منتشر
شده بود.**



مورد یافت نشد. پست حذف شده است.

هرچند، همه
جا حرفش بود.

من هرگز، از
پسرم سواستفاده
نکردم.





در ضمن، در آینده حتی اگه
سمت ریاست جمهور رو ترک
کنم اصلا به سواستفاده از
موقعیتم فکر هم نمی کنم.

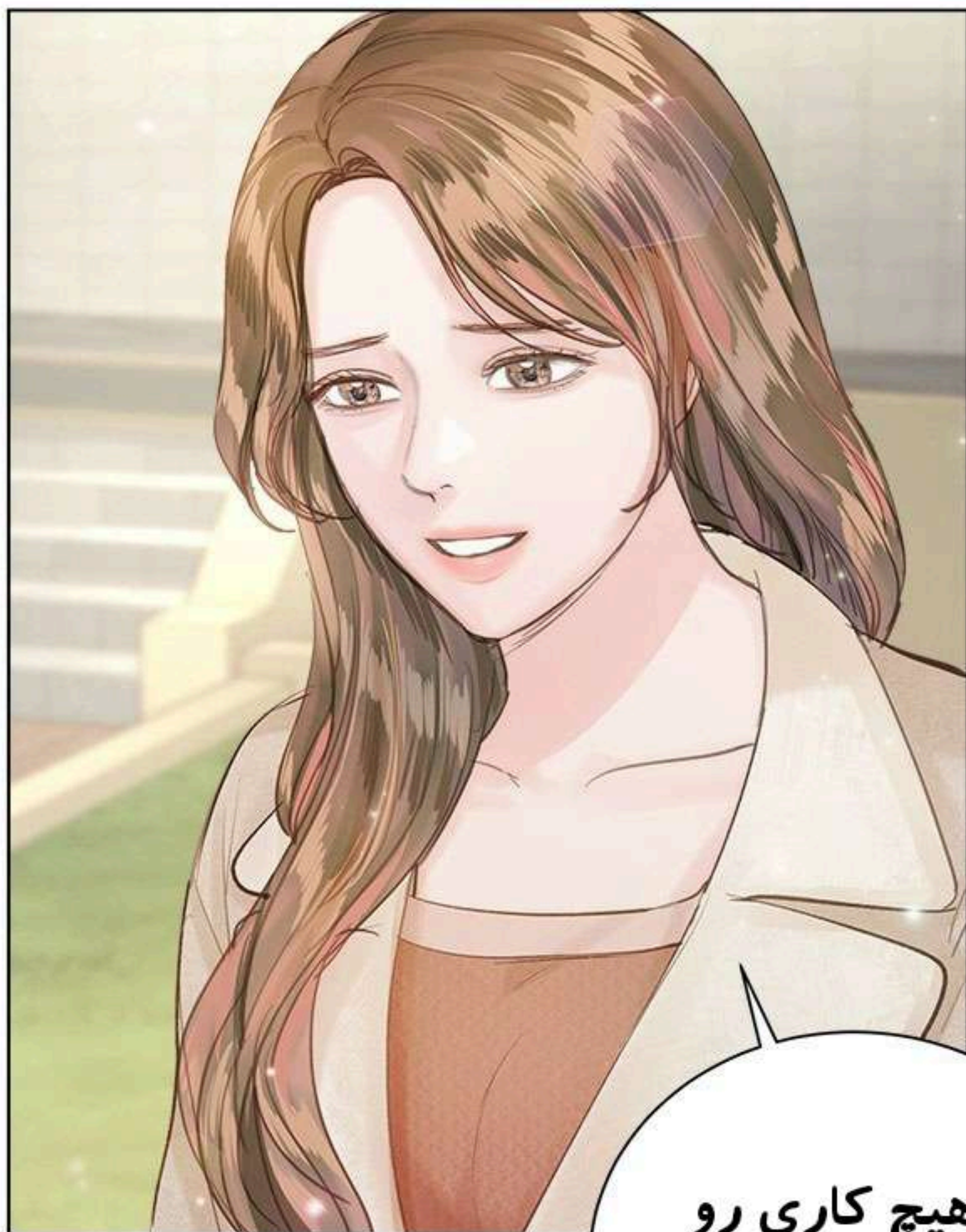




ایں باور نکر دنیہ



من به شخص
اشتباهی اعتماد
کردم؟



من هیچ کاری رو
درست انجام ندادم.

راستی، این نیمکت... من
آخرین بار اون آدم با موهای
پلوند رو اینجا دیدم...



من تقریباً
فراموشش کرده
بودم...





من به چیزی دارم
که لازمه تاییدش
کنم.

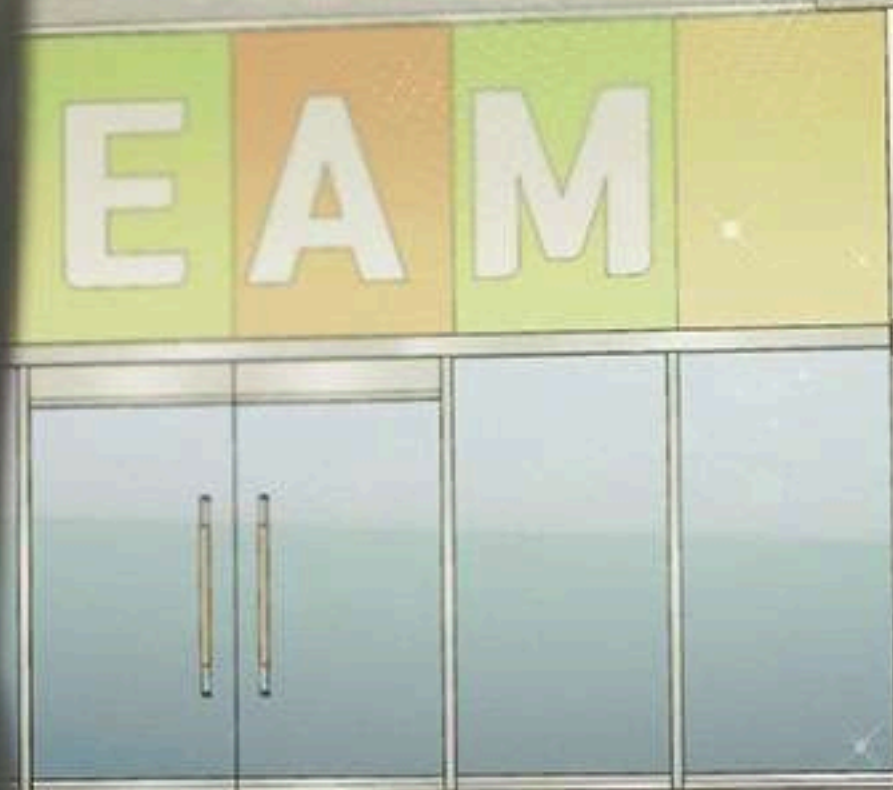
اون ظاهر
نمی شه؟



هر وقت كه خيلى
خسته ام ، اون هميشه
پيشم مياد

کلی لازمہ باہات
حرف بزئم.

الان کجا داری
زندگی می کنی؟





يوون وو...

عه؟ سونبه

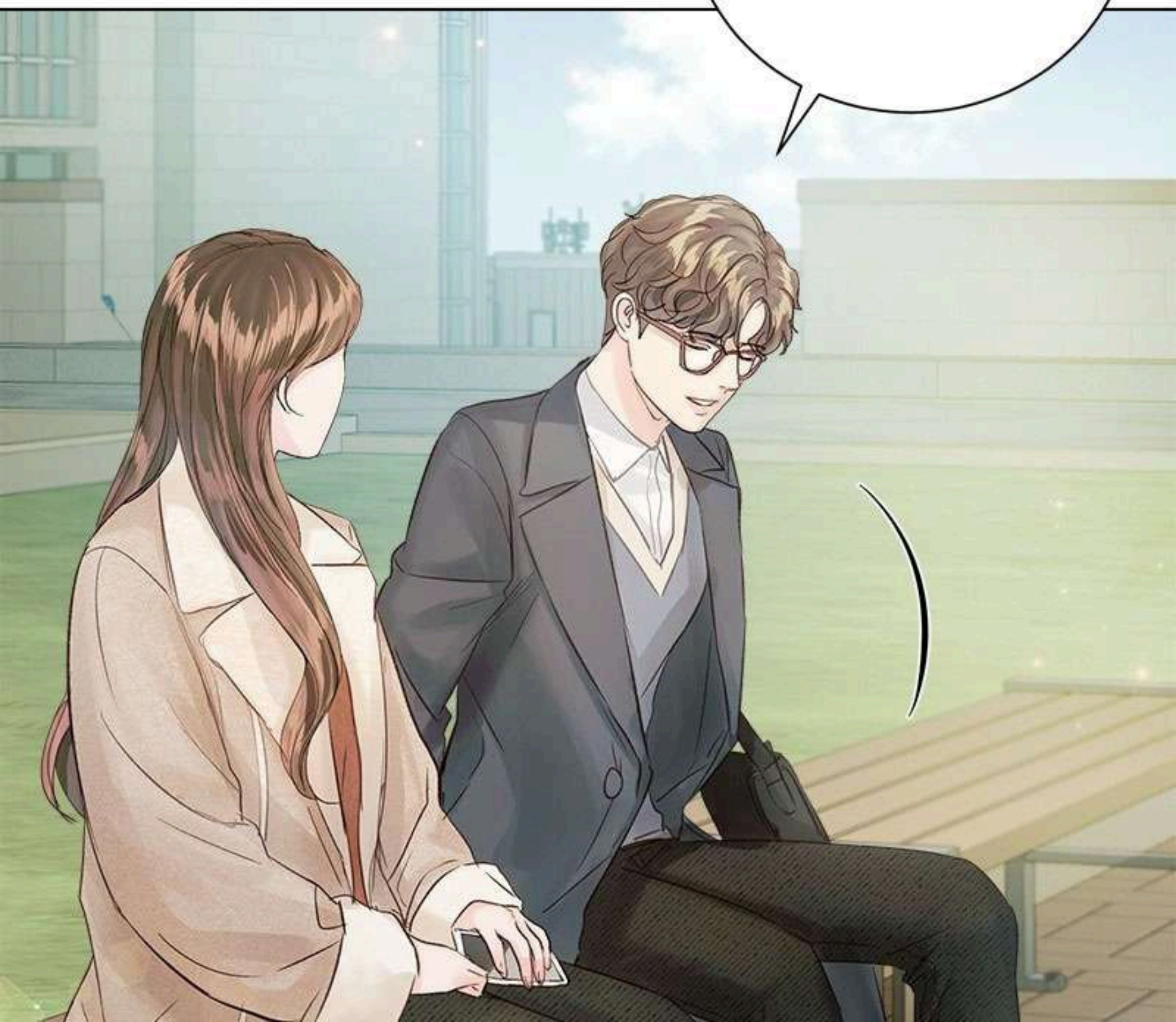


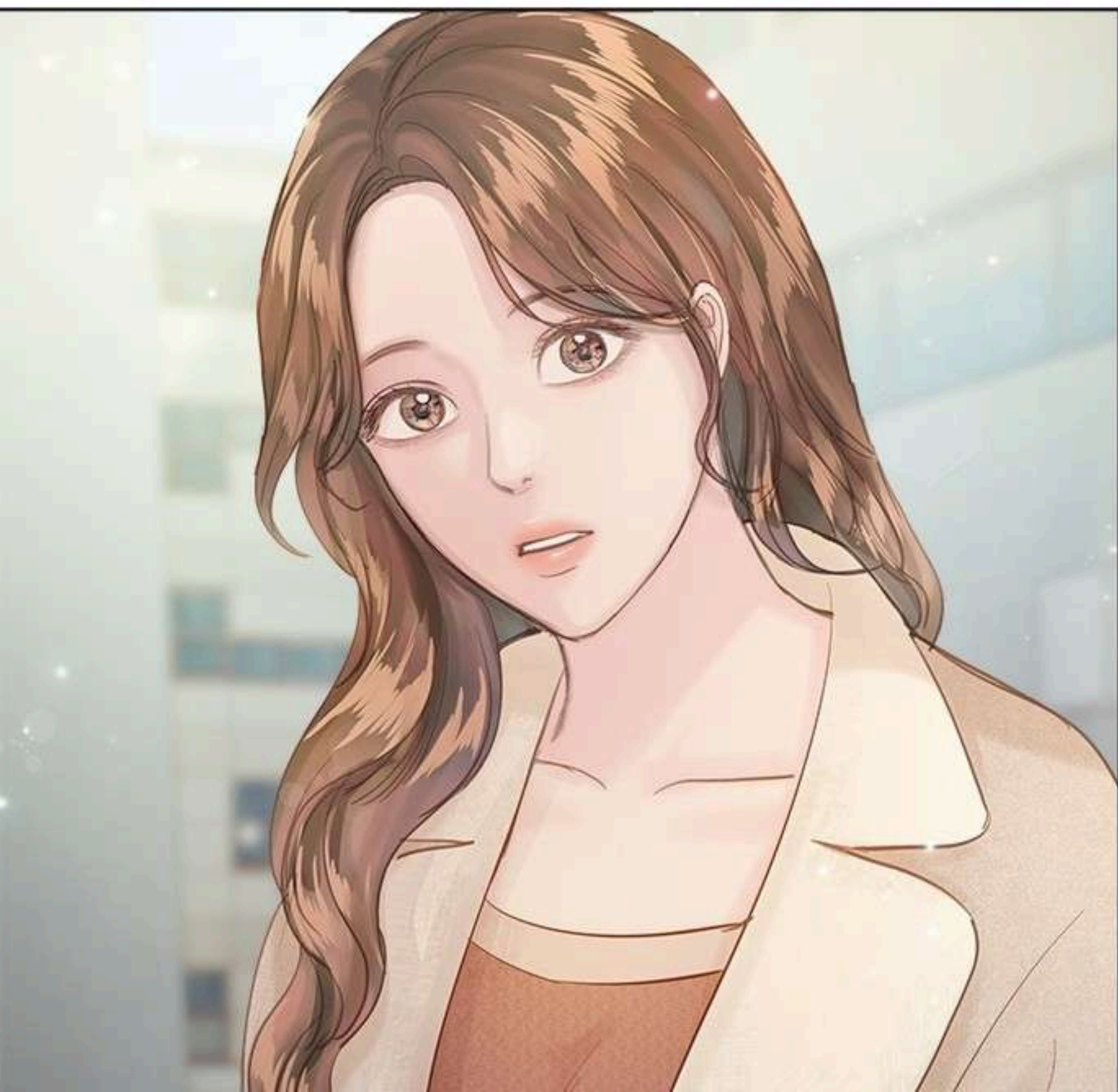


داری میری
خونه؟

بله. سونبه، شما
کارتون تموم شد؟

هنوز نه، فقط او مدم
تا تورو ملاقات كنم.



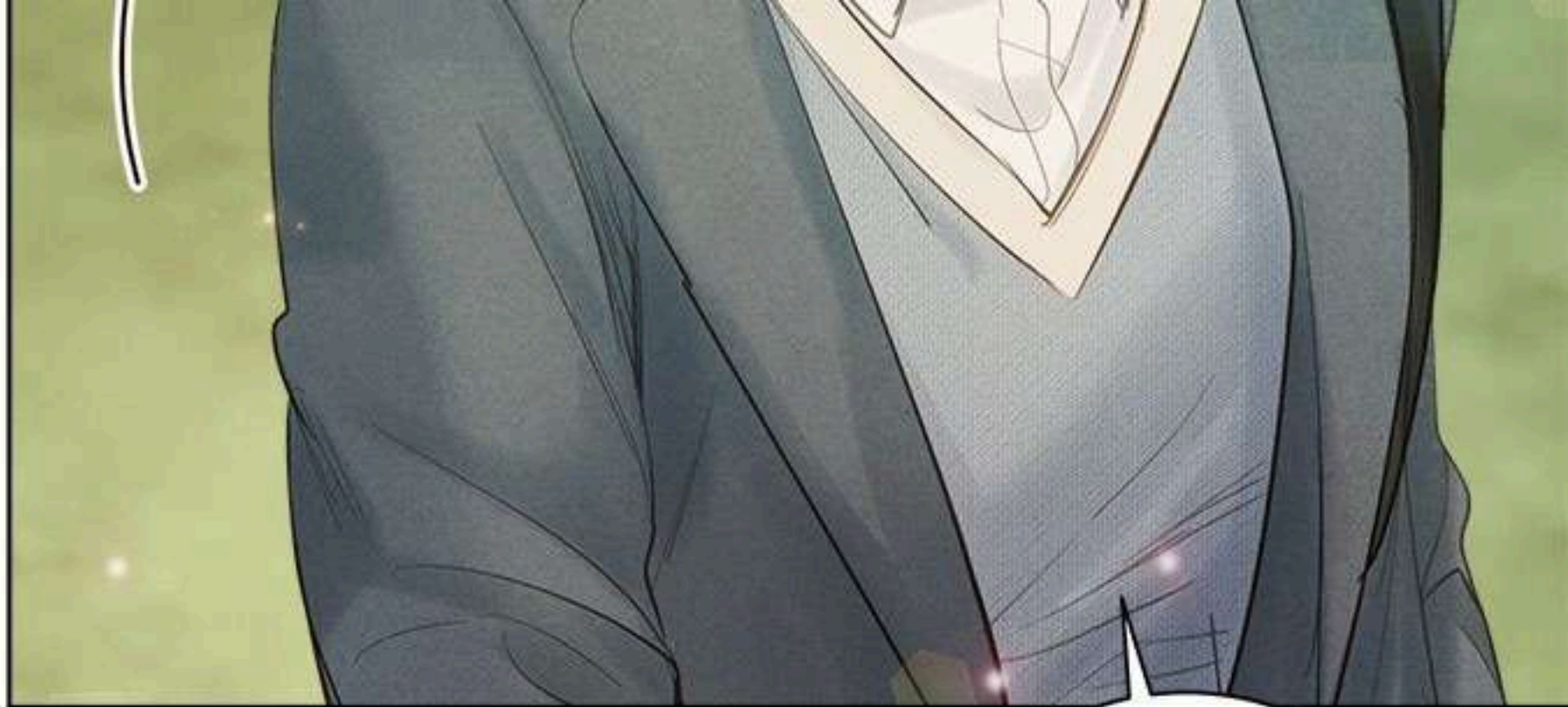




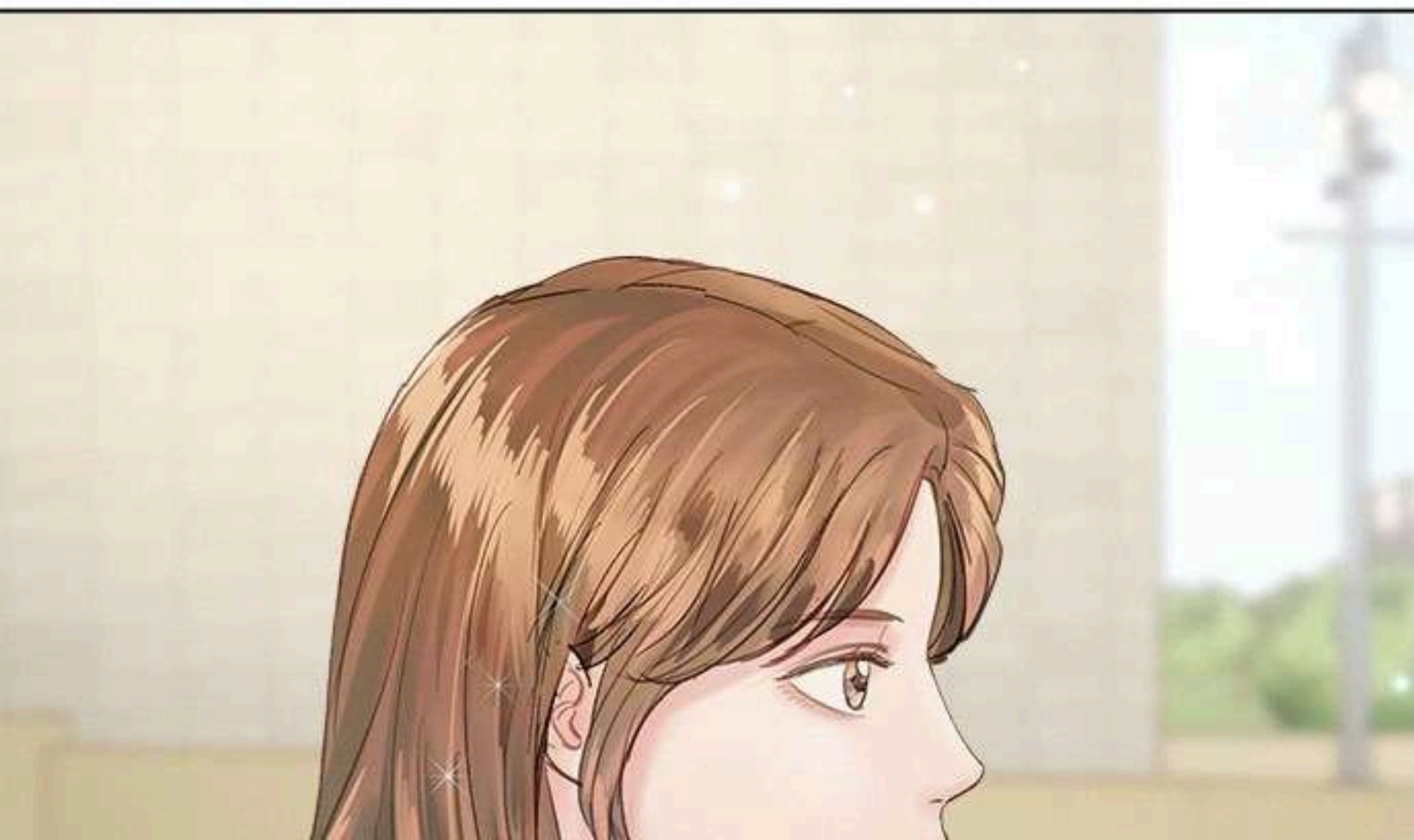
...چیزی می
خواید بگید؟







یوون وو





بله





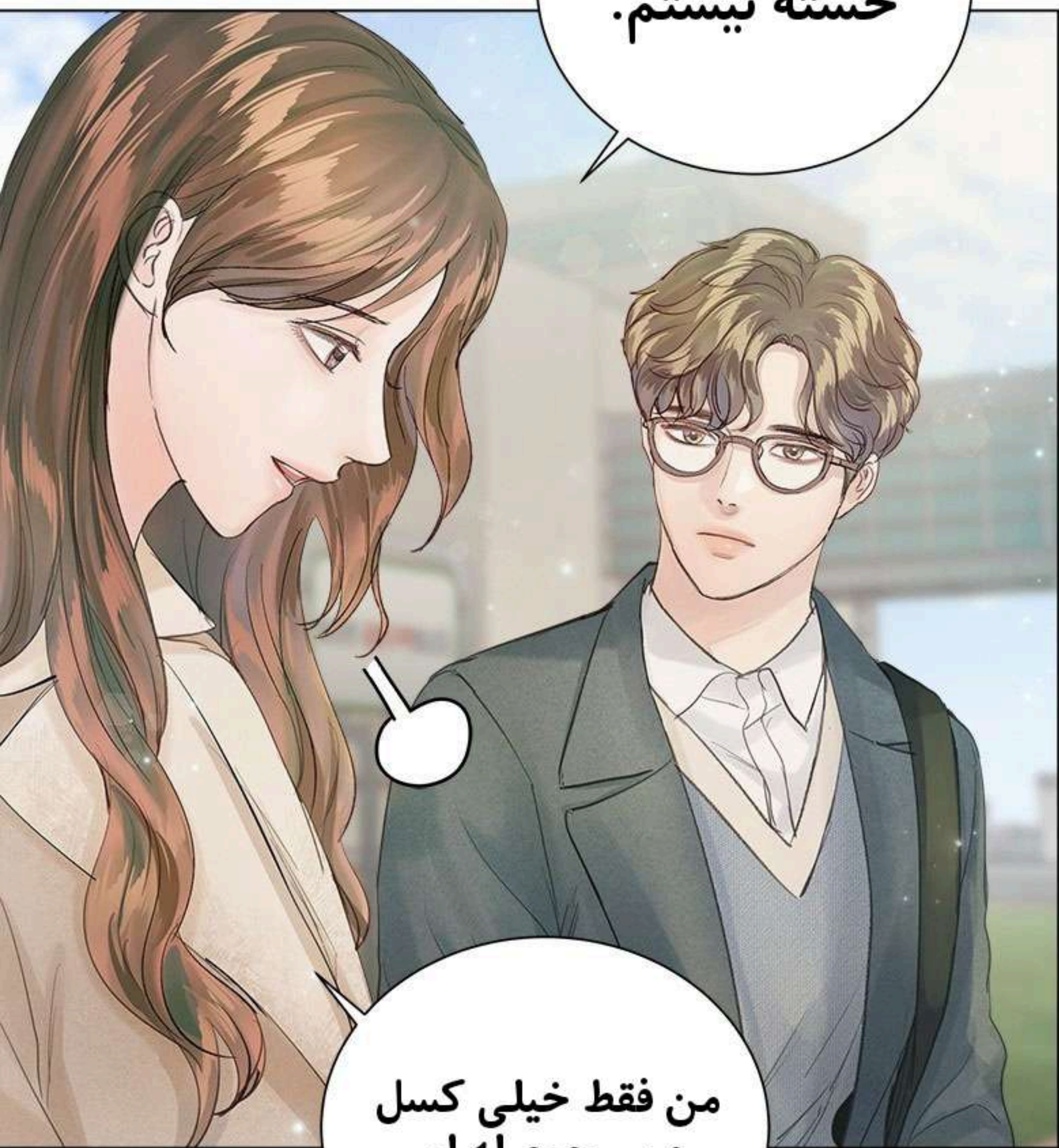
اگه خسته ای می
توننی به من بگی.



آه، شما شنیدید
من چی گفتم؟



در واقع، من
خسته نیستم.



من فقط خیلی کسل
و بی حوصله ام.

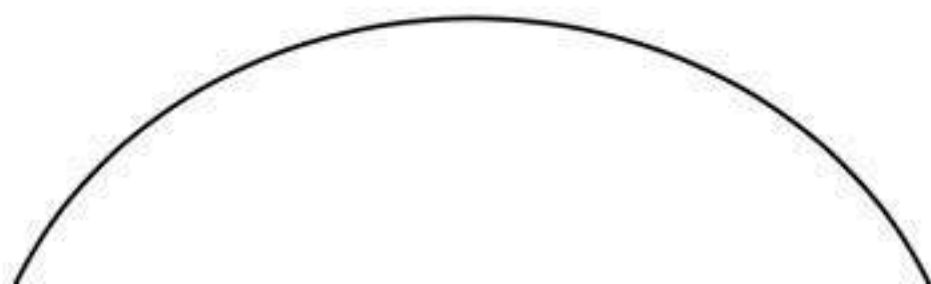
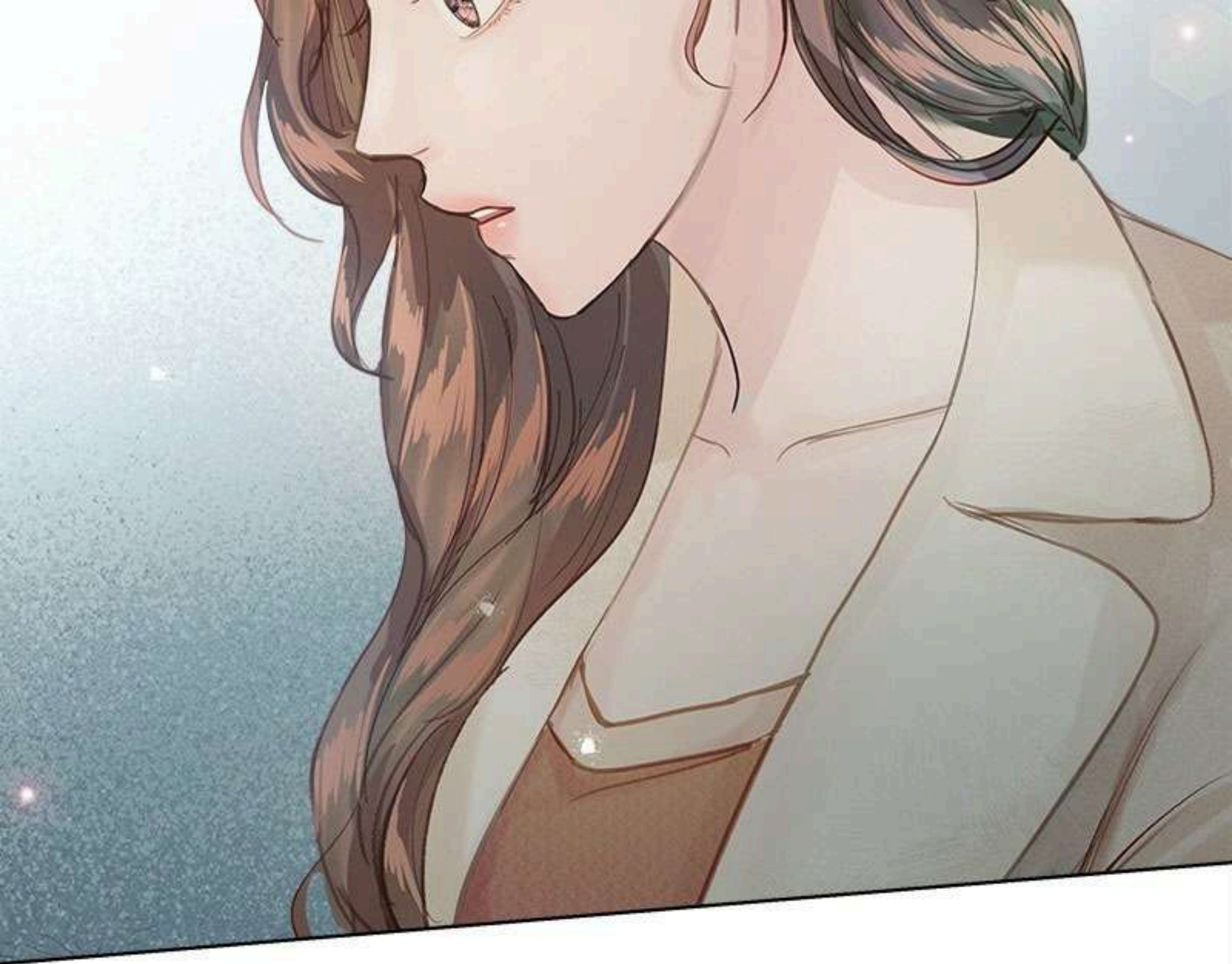
یوون وو



با اینکه اون خبر ها دروغن،
می دونم تو خسته شدی.

منظورم این دو
سال گذشته اس.





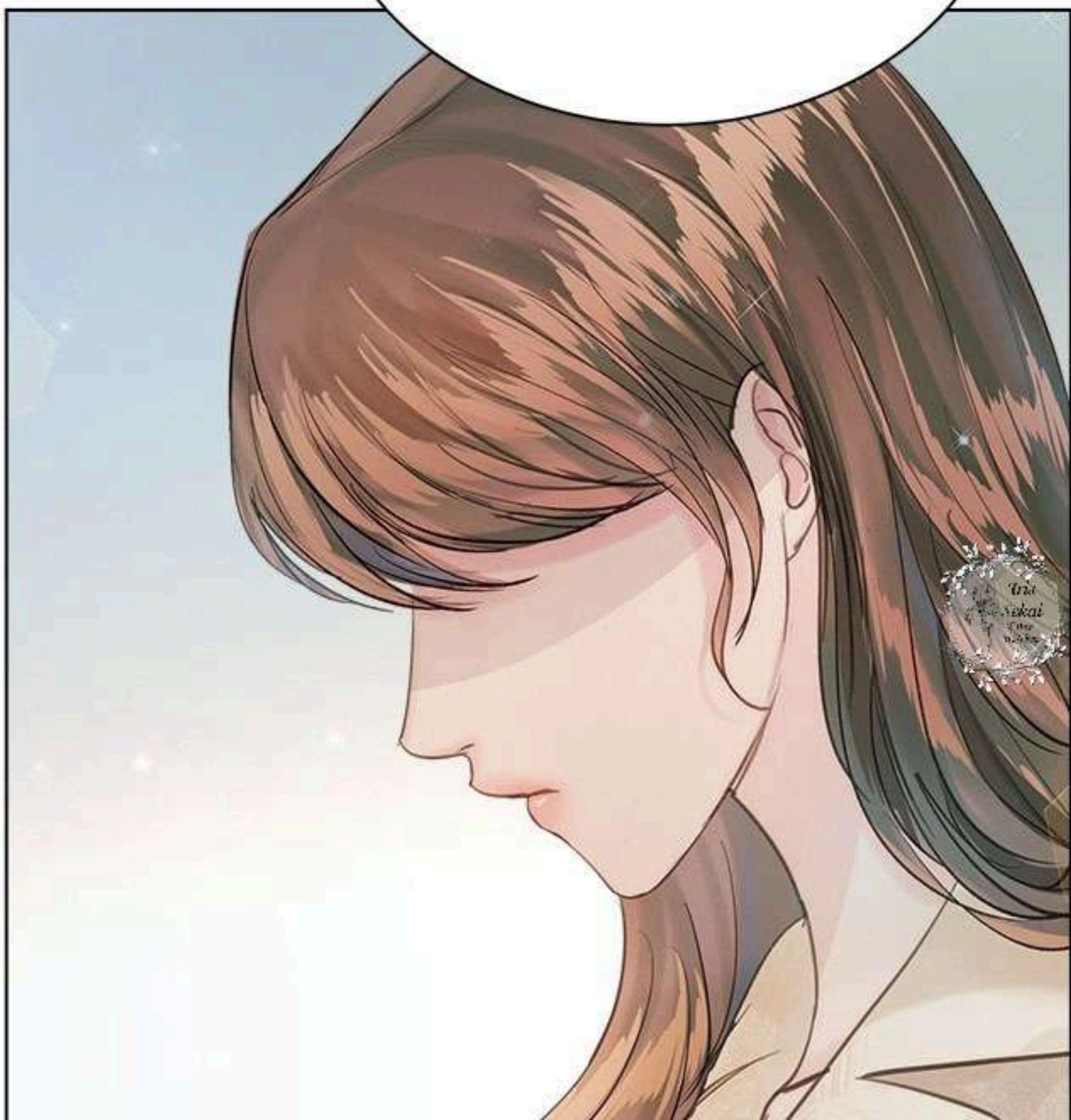
قبل از ازدواج، تو
همیشه شاد بودی.

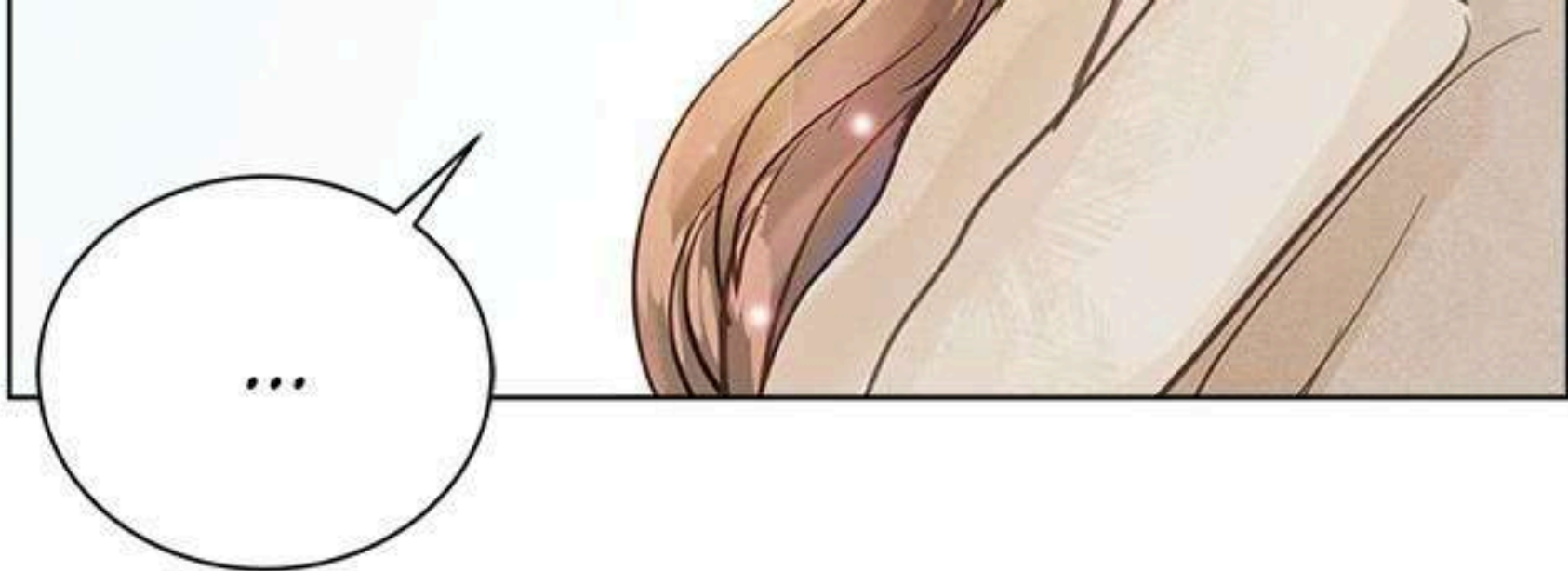
اما بعد از ازدوج، اون
شادی ناپدید شد.



این طور به نظر میومد که
سخت درس می خونى تا
خودتو ثابت کنى.

تنها تمرکز روی درس
خوندن کاریه عروس نیست



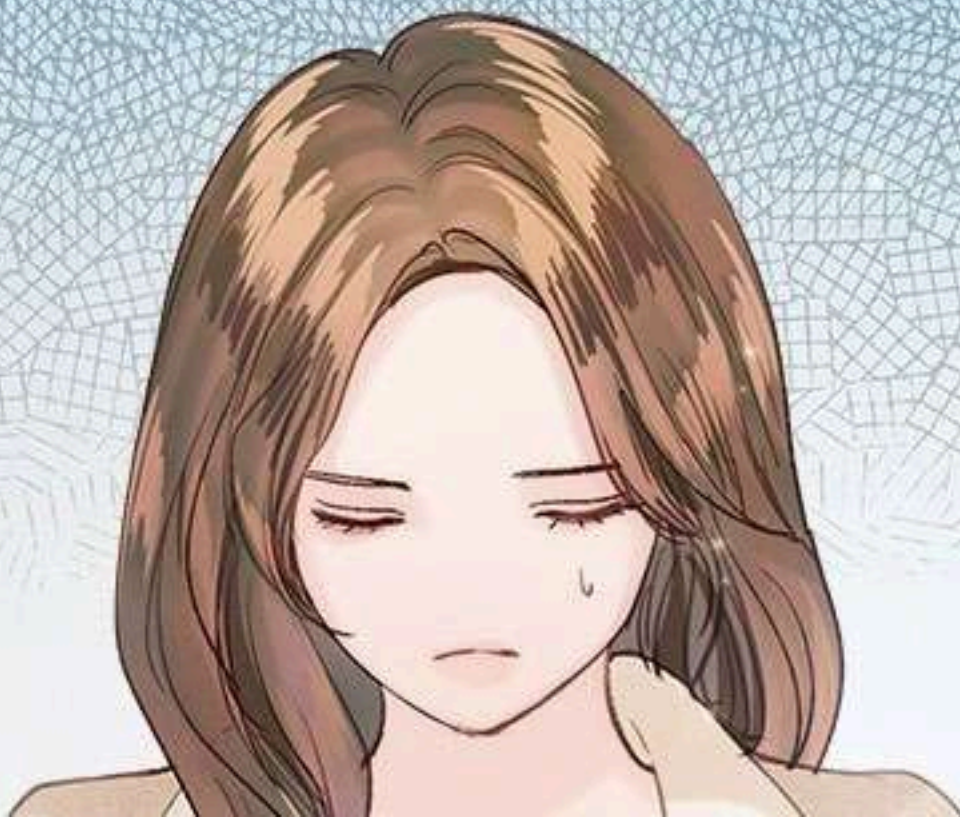


با اینکه اخیراً همسرت
میاد به دانشگاه و بهت
اهمیت میده



اما تو این دو سال
گذشته، اون اینطور
نبوده

حق با تونه...





اما ما دیگه اینطور
نیستیم

الان داریم با
مُحوشحالی زندگی می
کنیم.

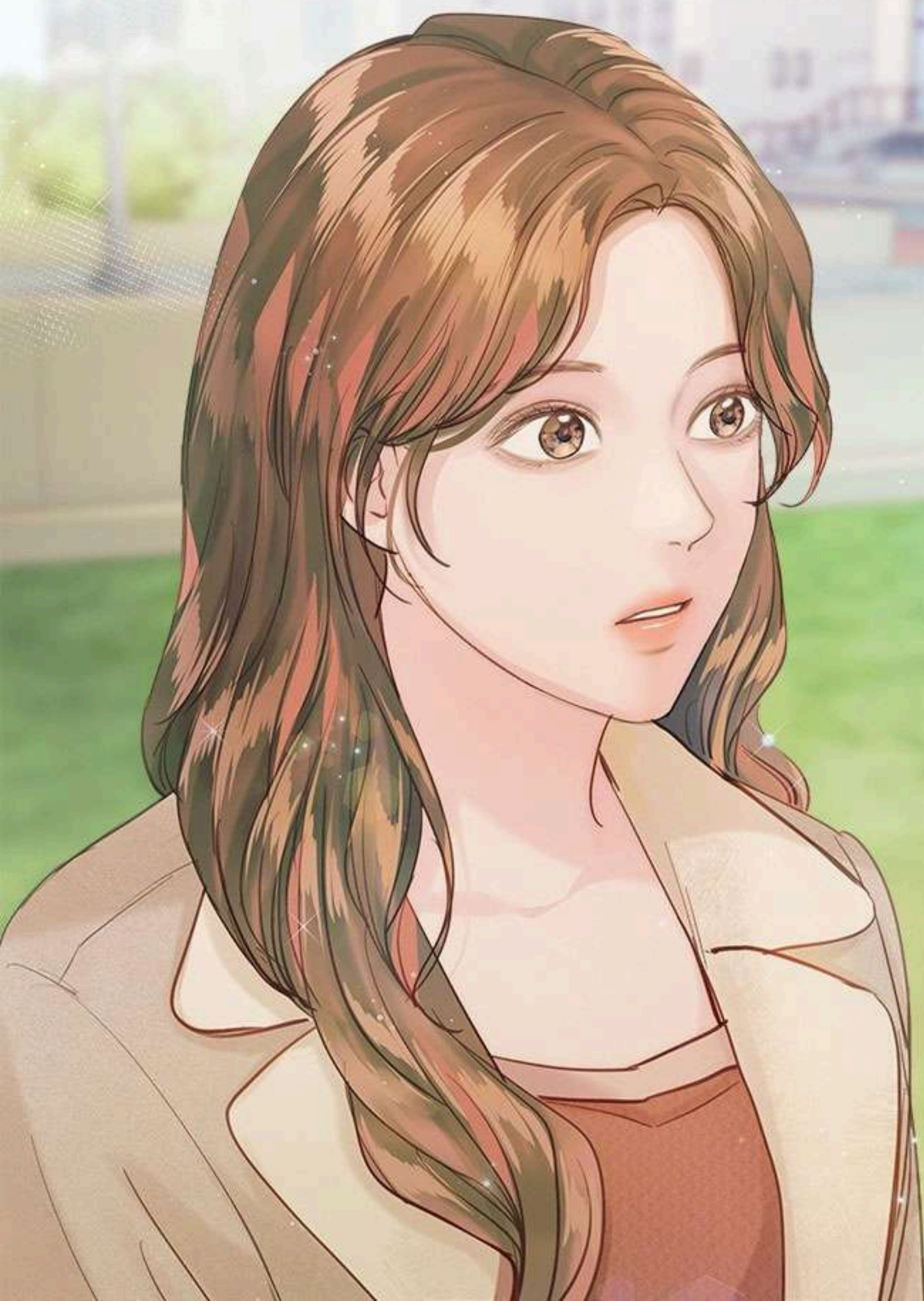
اگر این چیزی
نیست که تو می
خواهی.





اگه مجبور شدى
که ازدواج کنی...

من کمکت می کنم
درستش کنی، یوون وو



من واقعا امیدوارم
که تو بتونی شاد و
آزاد باشی





آه، سونبه، تو اشتباه
متوجه شدی...

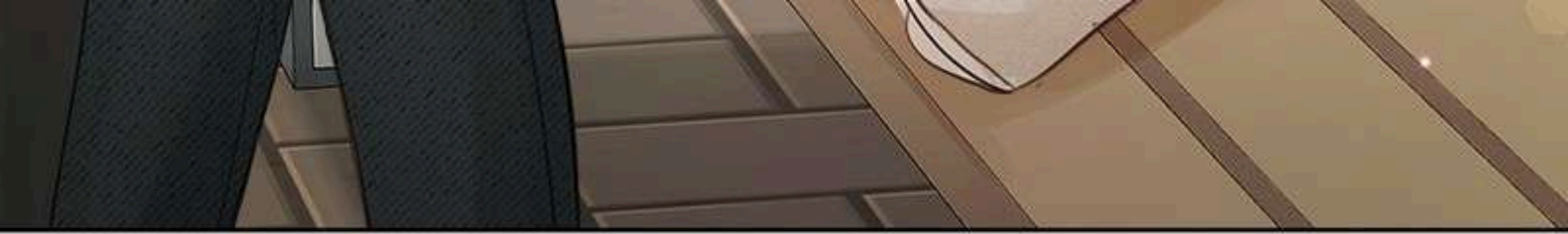


عزيزم

















جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره